

بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی پلیس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲

اصحاب حبیب زاده^۱، عباس سلطانی^۲

از صفحه ۱۹۱ تا ۲۱۰

چکیده

زمینه و هدف: سرمایه اجتماعی منبعی است که در راستای دستیابی به اهداف، در اختیار سازمان‌ها و اشخاص قرار دارد؛ بنابراین، نقشی مهم و گاهی اوقات ضروری در تشکیل سرمایه اجتماعی و مصرف آن ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی سرمایه اجتماعی پلیس راهور ناجا از نظر رانندگان شهر تهران، انجام شده است.

روش‌شناسی: تحقیق حاضر یک مطالعه پیمایشی و از نوع کمی است و جامعه آماری این پژوهش را کلیه رانندگان شهر تهران تشکیل می‌دهند که تعداد ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول کوکران با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای توأم با تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد و پایایی متغیر وابسته ۰/۷۶۱ درصد و میانگین متغیرهای مستقل ۰/۸۲۱ درصد است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تعامل اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد. نتایج کلی تحقیق نشان داد که اعتماد اجتماعی، بیشترین تأثیر و تعامل اجتماعی، کمترین تأثیر را در تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی پلیس دارد.

کلیدواژه‌ها

سرمایه اجتماعی، پلیس، تعامل اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

۱. دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)، ertabat1388@yahoo.com.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت ترافیک دانشگاه علوم انتظامی امین

پلیس به عنوان یکی از نهادهای عمومی، از ارکان مهم هر حاکمیتی بوده و به‌مثابه یکی از خرده نظام‌های اجتماعی؛ ارتقای نظم و انضباط اجتماعی، تسهیل فرایند توسعه اجتماعی، اجرای قانون و حفاظت از آرامش و امنیت جامعه، از کار ویژه‌های اصلی آن است. طرح ایده پلیس جامعه‌محور و امنیت انتظامی «اجتماعی شده» پیوند سازمان پلیس را از پیوند صرف با نهاد حکومت و دولت فراتر برده است؛ به‌گونه‌ای که سازمان پلیس به‌رغم اینکه یک سازمان رسمی و حکومتی شناخته می‌شود؛ لیکن ارتباط و درهم تنیدگی آن با نهادهای اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی را نمی‌توان نادیده گرفت و بر همین اساس، صاحب‌نظران علوم اجتماعی و امنیتی، سازمان پلیس را نیازمند برخورداری از سرمایه اجتماعی می‌دانند. سرمایه اجتماعی، به‌مثابه سیمان و ملاتی است که به حفظ وفاق، تعامل و اعتماد جامعه و سازمان پلیس کمک می‌کند و موجبات روان‌سازی و برخورداری از نظم پویا را تحلیل و تقویت کرده و نقش و سهم درخور توجهی را در فراهم‌سازی امنیت و انتظام اجتماعی دارد؛ چراکه سرمایه اجتماعی در مقیاس‌های خرد (فردی)، میانی (نهادی و سازمانی) و کلان (حکومتی)، نیروی مؤثری برای اجتناب و ممانعت از گسست و ناامنی اجتماعی در جوامع پرمخاطره امروزی است. توجه به میزان و افزایش سرمایه اجتماعی پلیس راهور ناجا در زمینه تعاملات، اعتماد و مشارکت‌های اجتماعی کاربران ترافیک با این سازمان، راهکاری مناسب جهت صرفه‌جویی در هزینه‌ها و ارتقای منزلت اجتماعی پلیس راهور خواهد بود.

سرمایه اجتماعی، ویژگی و خاصیت ساختار اجتماعی است که برای سازمان‌های مالک آن، زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا مشکلات فراروی خود را با کاهش هزینه‌ی تعاملات برطرف کند. دغدغه محقق در این پژوهش، این است که باوجود هزینه‌های بالای اجرای قوانین و مقررات-به‌خصوص مقررات راهنمایی و رانندگی در ایران- میزان سرمایه اجتماعی پلیس راهور ناجا به چه میزان است و آیا کاهش سرمایه اجتماعی پلیس راهور ناجا، باعث بروز این میزان تخلف از مقررات راهنمایی و رانندگی شده است؟ از نظر بوردیو (۱۹۸۳)، «سرمایه اجتماعی» مجموعه منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که در نتیجه شبکه بادوامی از روابط کم‌وبیش نهادی شده (آشنایی و شناخت متقابل) به وجود می‌آید. پوتنام (۱۹۹۵) در آثار مختلف، سرمایه اجتماعی را به عنوان شبکه‌های اجتماعی،

هنجارهای ارتباط متقابل، اعتماد و قابلیت اعتماد ناشی از آن تعریف کرده است. از نظر کوهن و پروساک (۲۰۰۱)، سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، شناخت متقابل، ارزش‌های مشترک و رفتارهایی است که اعضای شبکه انسانی و اجتماعات را به هم پیوند می‌دهد و همکاری آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. دو عنصر مهم سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت است. اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد نهادهای مذکور به یکدیگر و نیز اعتماد حکومت و این نهادها به مردم وجوه مختلف اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهند. از سوی دیگر درستکاری، صداقت، وفای به عهد، انصاف و عدالت ارزش‌های اعتمادآفرین هستند. از مؤلفه‌های دیگر سرمایه اجتماعی مؤلفه‌ی اعتماد و تعاملات اجتماعی است؛ بنابراین اعتماد به همان اندازه که یک نگرش شخصی است، یک دارایی ضروری اجتماعی محسوب می‌شود و در حقیقت افراد به این دلیل قادرند به یکدیگر اعتماد کنند که عمل آن‌ها در هنجارها و شبکه‌های اجتماعی انجام می‌گیرد. امروزه سرمایه اجتماعی، به عنوان شایستگی ضروری برای سازمان‌ها محسوب می‌شود. سرمایه اجتماعی سازمانی منبع ناشی از ویژگی‌های اجتماعی درون سازمان است و دارایی‌ای است که هم برای سازمان و هم برای اعضای سازمان ارزش ایجاد می‌کند. سرمایه اجتماعی دارای دو جزء امکان مشارکت و اعتماد است و برای اینکه در هر بنگاهی سرمایه اجتماعی سازمانی وجود داشته باشد؛ باید نسبتی از این اجزا در آن بنگاه موجود باشد. هدف اصلی این پژوهش، سنجش میزان سرمایه اجتماعی پلیس راهور ناجا از نظر رانندگان شهر تهران است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که وضعیت سرمایه اجتماعی پلیس راهنمایی و رانندگی از نظر رانندگان شهر تهران چگونه است؟

مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش، برای بررسی و سنجش متغیرهای (اعتماد، مشارکت و تعامل) و ابعاد آن، از یک چارچوب تلفیقی با استفاده از نظریه گیدنز، بوردیو، کلمن و پاتنام در نظر گرفته شده است.

پاتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب تعامل اجتماعی و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آن‌ها را تأمین خواهد کرد. از نظر وی، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در

شبکه، به عنوان منبعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۲۵). پاتنام موفقیت در غلبه بر معضلات عمل جمعی و فرصت‌طلبی را که در نهایت به ضرر خود افراد تمام می‌شود؛ به زمینه اجتماعی گسترده آن مربوط می‌داند. به گونه‌ای که همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده، بهتر صورت می‌گیرد. پاتنام معتقد است که شبکه‌های مشارکت مدنی، یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی هستند و هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند؛ احتمال همکاری شهروندان، در جهت منافع متقابل بیشتر است. شبکه‌های مشارکت مدنی، هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله‌ای افزایش می‌دهند. فرصت‌طلبی، منافی را که فرد انتظار دارد از دیگر معاملات هم‌زمانش و معاملات آینده نصیبش شود، به خطر می‌اندازد. شبکه‌های مشارکت مدنی در زبان تئوری بازی‌ها، تکرار پیوند درونی بازی‌ها را افزایش می‌دهند (همان: ۲۹۷). شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت و ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸؛ کلمن، ۱۹۹۰: ۲۸۳-۲۸۷). از طرف دیگر، هنجارهای معامله متقابل، یکی از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام است. جوامعی که در آن‌ها از این هنجار پیروی می‌شود؛ به گونه‌ای مؤثر، می‌توانند بر فرصت‌طلبی فائق آمده و مشکلات عمل جمعی را حل کنند. گرانووتر معتقد است: هنگامی که توافقاتی در چارچوب بزرگ‌تر روابط شخصی و شبکه‌های اجتماعی حاصل می‌شود؛ اعتماد ایجاد می‌شود و انگیزه تخلف از مقررات رنگ می‌بازد (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۵ به نقل از جعفروند و فتحی، ۱۳۹۴: ۸۹) و سومین عنصر، اعتماد است. اعتماد، باعث تسهیل همکاری می‌شود و هرچه اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد؛ احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. اعتماد که یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است؛ عنصر غیر اختیاری و ناآگاهانه است. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار بازیگر مستقل است. «شما برای انجام دادن کاری، صرفاً به این دلیل که فردی (یا نهادی) می‌گوید آن را انجام خواهد داد، به او اعتماد نمی‌کنید؛ بلکه شما تنها به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناختتان از خلق و خوی او، انتخاب‌های ممکن او، تبعاتشان و توانایی او، حدس می‌زنید که او انجام دادن این کار را برخواهد

گزید» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲). پاتنام، مانند دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به عنوان خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی؛ یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد (پاتنام و گاس، ۲۰۰۲: ۶). او با تفکیک شبکه‌های افقی یا «مساوات‌طلب» از شبکه‌های عمودی یا «انحصارطلب»، نوع دوم را فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌کند. از نظر او، شبکه‌های افقی در قالب مشارکت‌های مدنی (انجمن‌ها، باشگاه‌ها و احزاب...) به دلیل ارائه چارچوب فرهنگی برای همکاری مولد هنجاری‌های اعتماد همیاری هستند.

پاتنام (۱۳۸۰)، اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع هنجارهای تعامل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند. اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد؛ احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. همکاری نیز اعتماد را ایجاد می‌کند؛ به این ترتیب، هرچه سرمایه اجتماعی بیشتر استفاده شود؛ به جای استهلاک و کاهش بر خلاف سرمایه فیزیکی، بیشتر افزایش خواهد یافت. در مجموع، پاتنام منابع اجتماعی را اعتماد، هنجارهای تعامل متقابل و شبکه‌های افقی تعامل می‌داند که خود تقویت‌کننده و خود افزون هستند. البته، شبکه‌ها دو نوع‌اند: افقی و عمودی؛ در شبکه‌های افقی شهروندانی عضویت دارند که دارای قدرت وضعیت برابری هستند. در شبکه‌های عمودی شهروندان نابرابر از طریق روابط نابرابر مبتنی بر سلسله‌مراتب وابستگی به هم پیوند دارند. کنش‌های افقی قوی در شبکه‌های مشارکت مدنی، از نظر ویژگی بازتولیدی سرمایه اجتماعی منجر به تعامل اجتماعی و افزایش سطح همکاری، اعتماد، معامله متقابل مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می‌شوند.

کلمن درحالی‌که بر استفاده افراد از منابع ساختی اجتماعی در کنش‌هایشان برای به‌دست آوردن بهترین نتایج، تأکید می‌ورزد؛ ولی بر طبیعت جمعی سرمایه اجتماعی نیز اصرار دارد. او معتقد است که سرمایه اجتماعی، ویژگی‌های معینی دارد که آن را از کالاهای خصوصی، تقسیم‌پذیر و انتقال‌پذیر که در نظریه اقتصادی نئوکلاسیک بحث شده است، متمایز می‌سازد. سپس ویژگی‌های این کالای عمومی را چنین برمی‌شمرد: «به آسانی مبادله نمی‌شود؛ اگرچه این سرمایه منبعی است که ارزش استفاده دارد. سرمایه اجتماعی دارایی شخصی هیچ یک از افرادی که از آن سود می‌برند نیست و این

به واسطه صفت کیفی ساختار اجتماعی است که فرد در آن قرار گرفته است □ نتیجه فرعی فعالیت‌های دیگر است و معمولاً شخص خاصی آن را به وجود نمی‌آورد؛ زیرا انگیزه برای سرمایه‌گذاری در آن وجود ندارد یا ضعیف است. برخلاف سرمایه فیزیکی که به واسطه منافع شخصی‌اش انگیزه برای سرمایه‌گذاری کاهش نمی‌یابد؛ سرمایه اجتماعی با این‌که منبع مهمی برای افراد است و می‌تواند بر توانایی انجام کنش و کیفیت زندگی آن‌ها بسیار تأثیرگذار باشد؛ باوجوداین، از آنجاکه بسیاری از منافع کنش‌هایی که سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند، توسط افرادی غیر از فردی که آن را ایجاد کرده کسب می‌شود؛ به سود فرد نیست که آن را به وجود آورد. نتیجه این می‌شود که بیشتر شکل‌های سرمایه اجتماعی، به شکل نتیجه فرعی فعالیت‌های دیگر ایجاد یا نابود می‌شود. اگرچه کلمن به عوامل ایجاد، حفظ و نابودی سرمایه اشاره دارد و معتقد است که عواملی نظیر «فروپستگی شبکه اجتماعی»، «ثبات ساختار اجتماعی» و «ایدئولوژی» بر حفظ و نابودی سرمایه اجتماعی مؤثر هستند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲-۴۵۸).

از نظر بوردیو، عنوان سرمایه اجتماعی بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی مبتنی است و خود او آن را چنین تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که مربوط به داشتن شبکه‌ای نسبتاً پایدار از روابط کم‌وبیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است یا به عبارت دیگر، عضویت در یک گروه برای هر یک از اعضایش از طریق حمایت یک سرمایه جمعی، صلاحیتی فراهم می‌کند که آنان را مستحق «اعتبار» به معنای مختلف کلمه می‌کند» (بوردیو، ۱۹۹۷: ۵۱).

گیدنز اعتماد را چنین تعریف می‌کند: «اطمینان از اعتمادپذیری اشخاص یا نظام‌ها با توجه به یک رشته معین از پیامدها یا رویدادها، جایی که این اطمینان، ایمان به صداقت یا عشق دیگری و یا صحت اصول انتزاعی را بیان می‌دارد» (ریتزر، ۱۳۷۹: ۷۶۸). به اعتقاد وی؛ اعتماد، انتظار برآورده شدن چشم‌داشت‌ها در مورد رویدادهای احتمالی است. اعتماد بیان‌کننده این احساس است که میان تصوّر ما از یک موجود و خود آن موجود، پیوند وحدت معینی وجود دارد و ادراک ما از آن موجود، از تداوم معینی برخوردار است. گیدنز اعتماد را صورتی از «ایمان» می‌شمارد که در آن، اطمینان به پیامدهای احتمالی پایبندی به چیزی متفاوت یا حتی به معنای نوعی کیفیت ایمان کاستی‌ناپذیر است که به طرز خاص با غیبت در زمان و مکان پیوندهایی جانانه دارد (همان: ۳۳). اعتماد به

معنای جهش در فضای تعهد است. اعتماد به نظام‌های انتزاعی، مهم‌ترین بخش نظریات گیدنز است و بیانگر اعتماد افراد به اصول غیرشخصی است. این نوع اعتماد، با پیشرفت‌های علمی و فناوریانه عصر جدید در ارتباط است و نشان‌دهنده رابطه عقلی انسان‌ها با این دسته از امور و افرادی است که در این زمینه فعالیت می‌کنند. به اعتقاد گیدنز، در جوامع مدرن که نظام‌های انتزاعی تسلط دارند؛ اعتماد بسیار مهم است. دیگر نیاز نداریم به کسانی اعتماد کنیم که پیوسته در معرض دیدمان هستند؛ فعالیت‌هایشان را مستقیماً می‌توان بازنگری کرد. اعتماد، هنگامی ضروری می‌شود که در نتیجه فاصله‌گیری روزافزون زمانی و مکانی، دیگر اطلاع کاملی از پدیده‌های اجتماعی نداشته باشیم (ریتزر، ۱۳۷۹: ۷۶۸). در جوامع نوین، به نظر گیدنز، افراد هرچه فاصله زمانی - مکانی بیشتری از هم داشته باشند؛ به اعتماد نیاز بیشتری دارند. در جوامع ماقبل نوین که خصلتی محلی و بومی دارند؛ کنش‌های متقابل، بیشتر در سطح محلی و رودر رو رخ می‌دهند. در روابط اجتماعی افراد، چنان صراحت و شفافیتی به چشم می‌خورد که نیازی به اعتماد ندارند؛ زیرا این اعتماد به طور طبیعی وجود دارد؛ اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله زمانی - مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد درگیر این روابط، کمتر با یکدیگر آشنایی چهره به چهره دارند؛ اعتماد از طریق نظام‌های [انتزاعی] پولی و حقوقی بسیار ضروری است.

بر اساس نظریه فرنچ (۱۹۵۸)؛ مشارکت، حاکی از این است که بین رضامندی از تصمیم جمعی و میزان مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری، رابطه مثبتی وجود دارد. از جمله پژوهشگرانی که وجود رابطه مستقیم بین مشارکت در تصمیم‌گیری و رضامندی را گزارش کرده‌اند؛ می‌توان به موزر و ریمر (۱۹۵۶) و فرنچ و همکاران (۱۹۵۸) اشاره کرد. فرنچ و همکاران (۱۹۶۰) دریافتند که مشارکت در تصمیم‌گیری، زمانی به رضامندی می‌انجامد که اعضای نظام، احساس کنند مشارکت آن‌ها، در تصمیم‌گیری فعالیت‌های مشروع و عمقی و نه سطحی و پیش‌یافتاده است. همبلین و همکاران (۱۹۶۱)، به این نتیجه رسیدند که مشارکت و تصمیم‌گیری، زمانی به رضامندی می‌انجامد که اعضا متقاعد شوند که رهبران‌شان مهارت کافی ندارند (راجرز و شومیکر، ۱۳۶۹: ۳۰۵). به نظر می‌رسد؛ یکی از دلایل منطقی که باعث می‌شود اعضای یک نظام اجتماعی از برخی تصمیم‌ها، احساس رضایت کنند؛ این است که با مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری، اعضا

درمی‌یابند که بیشتر افراد نظام، مایل به پذیرش تصمیم هستند. مشارکت در تصمیم‌گیری، فرد را از میزان تعهد و توافق گروه آگاه می‌سازد. اگر فرد از پشتیبانی افراد دیگر در مورد تصمیم اتخاذ شده آگاه باشد؛ احتمال رضامندی وی نیز بیشتر می‌شود (همان: ۳۰۶). امروزه تصمیم‌گیری، یکی از اصول اساسی مشارکت به معنای جدید آن تلقی شده است. مشارکت بدون تصمیم‌گیری، ناتمام تلقی می‌شود و از طرف دیگر، موجب خشنودی و رضایت فرد مشارکت‌کننده از فعالیت‌های مشارکتی خود شده و او را به انجام آن ترغیب می‌کند؛ درحالی‌که در مشارکت به شکل سنتی آن، مشارکت‌جو، تنها در اجرای یک پروژه فعالیت گروهی نقش دارد و عملاً از تصمیم‌گیری کنار گذاشته می‌شود و رغبت و رضامندی چندانی از مشارکت خود نمی‌تواند به دست آورد و رضامندی کمتر باعث مشارکت و فعالیت کمتر او می‌شود.

به عقیده غفاری، تعامل اجتماعی به معنای مبادله رسمی و آنی حاصل از قرارداد تجاری یا قانونی نیست؛ بلکه به معنای ترکیبی از دگرخواهی کوتاه‌مدت و نفع‌گرایی بلندمدت است. افراد، خدمتی را به دیگران ارائه می‌دهند یا برای منفعت دیگران با هزینه شخصی عمل می‌کنند. آن‌ها این عمل را با این انتظار کلی انجام می‌دهند که حاصل این کمک و نوع‌دوستی، در زمانی نامشخص در آینده ممکن است که در صورت نیاز، به آن‌ها برگردانده شود. در جامعه‌ای که بده بستان قوی است؛ مردم از منافع یکدیگر مراقبت می‌کنند (غفاری، ۱۳۹۰: ۵۶).

چلبی (۱۳۷۵) معتقد است که وابستگی عاطفی محصول روابط اجتماعی است. چلبی در بُعد تعامل ساخت اجتماعی، دو نوع روابط ابزاری و اظهاری را از یکدیگر متمایز کرده است. وی در تعریف روابط ابزاری می‌نویسد: «رابطه ابزاری خود هدف نیست؛ بلکه وسیله و محملی است برای ردوبدل کردن چیزی و یا کسب هدفی خاص. نوعاً این‌گونه رابطه سرد ویژه است و از صمیمت میرا است. روابط نقدی، مبادله‌ای، پیمانی و ... از مصادیق تجربه این نوع رابطه هستند. دغدغه اصلی کنشگران درگیر در این رابطه (اعم از کنشگران فردی یا جمعی) به حداکثر رساندن نفع خویش است. خردورزی ابزاری و محاسبه، اساس این نوع رابطه را تشکیل می‌دهند. مکانیسم غالب برای فعال‌سازی این رابطه و تداوم آن مکانیسم تحریک است. نکته قابل توجه آنکه، ثبات روابط ابزاری به صورت ناب آن بسیار شکننده و متغیر است؛ چراکه این ثبات، تابعی از آرایش منافع

کنشگران ذینفع و حدوث مضاعف کنش آن‌هاست» (همان: ۲۴۹)؛ بنابراین می‌توان گفت که روابط ابزاری، ارتباط چندانی با وابستگی‌های عاطفی ندارند؛ اما این روابط دارای دو اثر عمده هستند که در ادامه و در تعامل با روابط اظهاری، نقش مؤثری در عواطف و اعتماد اجتماعی بازی می‌کنند. این دو اثر عبارت‌اند از «بازکنندگی و تغییردهندگی»؛ منظور از بازکنندگی، باز شدن منافذی در محدوده گروه‌های موجود در اجتماع و اتصال آنان به یکدیگر است. معمولاً گروه‌ها و اجتماعات مختلف در جامعه، بر اساس وابستگی مادی و به منظور رفع حوائج مجبورند با بیرون از خود تماس برقرار کنند. این تماس در وهله اول، به صورت ابزاری است. رابطه ابزاری چون از کمترین پایه عاطفی برخوردار است؛ به سهولت می‌تواند غریبه‌های بیشتری را در برگیرد. در حقیقت برقراری رابطه ابزاری و استمرار آن، می‌تواند پیش‌درآمد برقراری رابطه اجتماعی بین گروهی شود. از طریق روابط ابزاری است که گروه‌ها و اجتماعات طبیعی به روی یکدیگر و جامعه بزرگ‌تر باز و گسترده می‌شوند و بدین ترتیب نطفه‌های پیوندهای ضعیف اجتماعی در عرض جامعه مابین گروه‌ها و اجتماعات گوناگون بسته می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۵۰).

پیشینه پژوهش

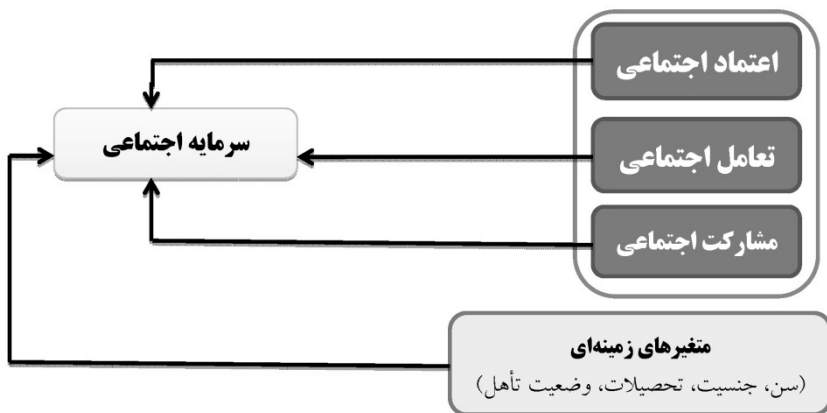
کاملی و حبیب زاده (۱۳۸۹)، به بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه اجتماعی در تغییر رویکرد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری سازمان‌ها از شیوه‌های سنتی به شبکه‌ای (مطالعه موردی سازمان ناجا) پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اعتماد، ارتباط متقابل و ارزش‌های مشترک از ویژگی‌های مهم سرمایه اجتماعی است؛ زیرا موجب دسترسی بیشتر به منابع و رشد توانایی اعضای شبکه در تطابق با مشکلات و حل مسائل پیش‌بینی نشده می‌شود. شایگان (۱۳۸۸)، تحقیقی با عنوان «بررسی میزان اعتماد مردم به پلیس» که به روش پیمایشی در شهر تهران انجام داده است. جامعه آماری این تحقیق، شهروندان بالای ۲۰ سال شهر تهران بودند که ۶۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج این تحقیق نشان داد که اعتماد مردم نسبت به پلیس در حد مطلوب است و ۴۷ درصد اعتماد بالا و ۳۵ درصد اعتماد متوسط به پلیس دارند. همچنین در مقایسه پلیس به عنوان یکی از سازمان‌های مهم دولتی که وظیفه آن حفظ نظم و امنیت کشور است؛ امید و اعتماد مردم به آینده پلیس در مقایسه با پنج نهاد سیاسی کشور (مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، قوه

قضایه و قوه مجریه) و اینکه بتواند مسائل مبتلابه جامعه مربوط به خود را حل کند، بیش از سایر نهادها بود و رتبه اول را کسب کرد. همچنین ناجا در مقایسه با سازمان‌هایی چون شهرداری، مدارس و بیمارستان‌های دولتی از نظر میزان اعتماد، در رتبه دوم قرار دارد. اعتماد مردم به ویژگی‌های مدیریتی مسئولان ناجا، مطلوب و نسبت به ویژگی‌های مذهبی و اخلاقی آنان بسیار بالاست. بیات (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت عمومی پرداخته است؛ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر سه بعد سرمایه اجتماعی پلیس (مشارکت، اعتماد و ارتباط)، اثر مثبت بر امنیت اجتماعی داشته‌اند. دو بعد اعتماد و مشارکت، اثر مثبت و معنادار قوی خود را حفظ کرده‌اند. این دو بعد، تقویت‌کننده یکدیگر به نظر می‌رسند؛ یعنی هر قدر در جامعه‌ای مشارکت مردم در فعالیت‌های پلیس افزایش یابد؛ اعتماد مردم بالاتر خواهد رفت و برعکس. همچنین ملاحظه شد که هر قدر مردم با پلیس بیشتر در ارتباط بوده‌اند (حتی زمانی که جریمه شده‌اند)؛ احساس مثبتی نسبت به پلیس داشته‌اند. از میان قسمت‌های مختلف پلیس، مردم آن‌هایی را بیشتر موفق دانسته‌اند که آگاهی بیشتری نسبت به آن بخش‌ها داشته‌اند؛ برای مثال مردم، پلیس آگاهی، ۱۱۰ و پلیس راهور را موفق‌تر ارزیابی کرده‌اند. سعیدی و آشوری (۱۳۹۵)، به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی ادراک شده و رفتار شهروندی سازمانی با سلامت روان (مورد پژوهی کارکنان نیروی انتظامی جنوب شرق تهران) پرداخته است. یافته‌ها نشان داد بین متغیرهای سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی ادراک شده و رفتار شهروندی سازمانی، با سلامت روانی رابطه منفی و معنادار وجود داشت. با توجه به اینکه نمره بالا در پرسشنامه سلامت روان، به معنای داشتن سلامت روان پایین است؛ بنابراین با افزایش سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی ادراک شده و رفتار شهروندی سازمانی میزان سلامت روانی کارکنان نیروی انتظامی افزایش می‌یابد. همچنین متغیرهای مذکور توانستند ۲۶/۸ درصد از تغییرات سلامت روانی را پیش‌بینی کنند که سهم رفتار شهروندی سازمانی بیش از سایر متغیرها بود. صالحی، نعمتی و امان پور (۱۳۹۴) به بررسی سنجش و تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی شهری می‌پردازند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ از دیدگاه شهروندان نسیم شهر، تمام مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شهری (به غیر از مشارکت) با توجه به میزان میانگین پایین نسبت به میانگین مبنا در آزمون T دارای وضعیت ضعیف و

نامناسب هستند. همچنین، با توجه به نتایج الگوی برازش رگرسیونی در بین مؤلفه‌های منتخب پژوهش و با توجه به میزان معناداری به دست آمده، تمام مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم با سرمایه اجتماعی شهری دارند. مؤلفه‌های امنیت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۳۹۱، انسجام اجتماعی با ضریب بتای ۰/۳۴۹ و مشارکت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۳۱۱ بیشترین تأثیر را سرمایه اجتماعی شهری دارند؛ همچنین از دیدگاه شهروندان، بین نواحی شهر نسیم‌شهر تفاوت معناداری وجود ندارد. پاترسون (۲۰۰۸)، در پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی و روابط اجتماعی اظهار می‌دارد: «از آنجاکه سرمایه اجتماعی، یکی از شاخص‌های مهم بقا و دوام هر جامعه‌ای بوده و با توجه به این‌که سرمایه اجتماعی، اشاره به مجموعه روابط و هنجارهایی دارد که به کیفیت و کمیت روابط اجتماعی شکل می‌دهند و در نهایت با توجه به این‌که تحکیم همبستگی اجتماعی، برای رشد و موفقیت اقتصادی و توسعه پایدار جامعه ضروری است؛ می‌توان با آن به روان کردن کنش متعامل و هماهنگ میان اعضا و بهبود کارایی سازمان اجتماعی رسید. کلی و فرناندز^۱ در تأیید نقش سرمایه‌های اجتماعی در پیشگیری از آسیب‌ها، مطالعاتی را انجام دادند و به این نتیجه رسیده‌اند که در جوامع فاقد سرمایه اجتماعی، میزان جرم و جنایت بیشتر است و خانواده‌ها معمولاً بی‌دوام هستند (ذاکری همامانه، افشانی و عسگری ندوشن، ۱۳۹۱: ۸۷). در مطالعات چن و لوورن (۲۰۱۲)، نقش سرمایه اجتماعی درون سازمان و ارتباطات اثربخش مبتنی بر اعتماد میان اعضای درون گروه، به عنوان عاملی اثربخش در تسریع فرآیند انتقال دانش به اثبات رسیده است.

الگوی مفهومی پژوهش

الگوی مفهومی این پژوهش، حاصل تلفیقی از نظریه‌های سرمایه اجتماعی، با محوریت نظریه‌های صاحب‌نظرانی چون گیدنز، فوکویاما، کلمن و بوردیو است که با دسته‌بندی سازه‌های مفهومی ترسیم شده و در این الگو که برآمده از نظریه‌ها و چارچوب نظری تحقیق است؛ تلاش شده تا سرمایه اجتماعی پلیس با مؤلفه‌هایی چون (اعتماد، مشارکت و تعامل اجتماعی) نشان داده شود.



نمودار ۱: الگوی مفهومی (منبع: محققان)

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر، یک مطالعهٔ پیمایشی و از نوع کمی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، کلیه رانندگان شهر تهران است که تعداد آن، به طور تقریبی ۲/۵ میلیون نفر است که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر مورد بررسی قرار خواهند گرفت. برای تعیین حجم نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده؛ به این ترتیب که ابتدا مناطق مختلف شهر تهران، بر اساس شاخص توسعه‌یافتگی به پنج خوشه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم و با روش نمونه‌گیری تصادفی، یک منطقه از شمال، یک منطقه از جنوب، یک منطقه از شرق و یک منطقه از غرب و یک منطقه از مرکز انتخاب گردید؛ آنگاه از هر منطقه یک ناحیه و از هر ناحیه چند کوچه، انتخاب و توزیع پرسشنامه و کار جمع‌آوری اطلاعات بر روی آن‌ها صورت گرفت. نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، به کمک نقشه‌های بلوک‌بندی انجام و نمونه‌گیری، توسط پژوهشگر از درب منازل آغاز گردید. ابزار اندازه‌گیری، بر مبنای اعتبار صوری و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده و پایایی متغیر وابسته ۰/۷۶۱ درصد و میانگین متغیرهای مستقل ۰/۸۲۱ درصد است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری (۰/۰۲۳) کمتر از ۰/۰۵ است؛ پس رابطه معناداری بین سن و میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد و فرضیه اصلی تأیید می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار ضریب همبستگی، دارای علامت مثبت است؛ پس رابطه مستقیم است؛ به این صورت که با افزایش سن، میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و یا با کاهش سن، میزان سرمایه اجتماعی کم می‌شود. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی، نتیجه می‌گیریم که شدت رابطه بین سن و میزان سرمایه اجتماعی، ضعیف است.

جدول ۱: نتایج آزمون همبستگی متغیرهای تحقیق با میزان سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی	تعداد مشاهدات	سطح معناداری (sig)
اعتماد	۰/۷۴۱	۳۸۴	۰/۰۰۰
تعامل	۰/۳۷۵	۳۸۴	۰/۰۰۰
مشارکت	۰/۸۰۳	۳۸۴	۰/۰۰۰
سن	۰/۱۱۶	۳۸۴	۰/۰۲۳

با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است؛ پس رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد و فرضیه اصلی تأیید می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار ضریب همبستگی دارای علامت مثبت است؛ پس رابطه مستقیم است؛ به این صورت که با افزایش اعتماد اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و یا با کاهش اعتماد اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی کم می‌شود. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی، نتیجه می‌گیریم که شدت رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی، قوی است.

با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است؛ پس رابطه معناداری بین تعامل اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد و فرضیه اصلی تأیید می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار ضریب همبستگی دارای علامت مثبت است؛ پس رابطه مستقیم است؛ به این صورت که با افزایش تعامل اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و یا با کاهش تعامل اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی کم می‌شود. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی، نتیجه می‌گیریم که شدت رابطه بین تعامل اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی، متوسط است.

با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است؛ پس رابطه معناداری بین مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد و فرضیه اصلی تأیید می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار ضریب همبستگی، دارای علامت مثبت است؛ پس رابطه مستقیم است؛ به این صورت که با افزایش مشارکت اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و یا با کاهش مشارکت اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی کم می‌شود. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی، نتیجه می‌گیریم که شدت رابطه بین مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی، قوی است.

جدول ۲: ضریب همبستگی کلی و ضریب تبیین الگوی رگرسیونی گرایش به تجرد نسبی

الگو	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل شده	انحراف معیار
۱	^a ۰/۸۰۳	۰/۶۴۴	۰/۶۴۳	۰/۲۷۹۷۳
۲	^b ۰/۹۵۰	۰/۹۰۲	۰/۹۰۱	۰/۱۴۷۱۲
۳	^c ۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰

پیش‌بینی کننده‌ها: مقدار ثابت (اعتماد اجتماعی) a

پیش‌بینی کننده‌ها: مقدار ثابت (اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی) b

پیش‌بینی کننده‌ها: مقدار ثابت (اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی و مشارکت اجتماعی) c

با توجه به اطلاعات مربوط به جدول بالا، ۶۴ درصد تغییرات مربوط به میزان سرمایه اجتماعی به وسیله ۳ متغیر الگوی رگرسیونی ما (اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی و مشارکت اجتماعی) تبیین می‌شود.

جدول ۳: آزمون معناداری الگوی رگرسیونی میزان سرمایه اجتماعی (نتایج گام سوم)

مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معناداری
۸۴/۰۵۷	۳	۲۸/۰۱۹		
۰/۰۰۰	۳۸۰			۰/۰۰۰
کل	۳۸۳			

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود؛ مقدار سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است؛ پس نتیجه می‌گیریم که تأثیر این ۳ متغیر الگوی رگرسیونی ما، بر گرایش به تجرد نسبی معنادار است.

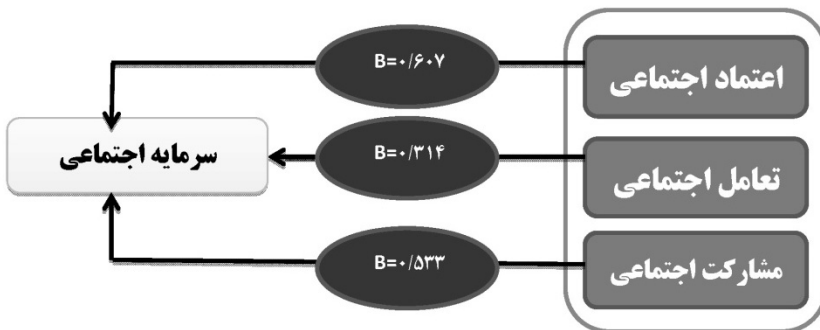
جدول ۴: جدول ضرایب رگرسیونی الگوی رگرسیونی میزان سرمایه اجتماعی (نتایج گام سوم)

الگو	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری
	B	انحراف معیار			
مقدار	۳/۶۷۸	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
اعتماد به پلیس	۰/۳۳۳	۰/۰۰۰	۰/۶۰۷	۲۸۳۷۸۴۷۶۲/۲	۰/۰۰۰
تعامل با پلیس	۰/۳۳۳	۰/۰۰۰	۰/۵۳۳	۲۴۹۹۶۸۸۷۵/۰	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۰/۳۳۳	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	۱۵۵۳۱۵۳۳۳/۳	۰/۰۰۰

برای سنجش میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته، از تحلیل مسیر استفاده شده است. ضریب بتای محاسبه شده در رگرسیون چند متغیره، بر روی نمودار (۲) قابل مشاهده است. اکنون عوامل اعتماد، مشارکت، تعامل و همبستگی را به طور همزمان وارد تحلیل کرده و رابطه این عوامل با سرمایه اجتماعی پلیس را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- بر پایه شواهد تجربی موجود، با افزایش یک واحدی در اعتماد اجتماعی (نمره شاخص یک به دو)؛ میزان سرمایه اجتماعی، $0/۳۳۳$ واحد افزایش می‌یابد.
- با افزایش یک واحدی در تعامل اجتماعی (نمره شاخص یک به دو)؛ میزان سرمایه اجتماعی، $0/۳۳۳$ واحد افزایش می‌یابد.
- با افزایش یک واحدی در مشارکت اجتماعی (نمره شاخص یک به دو)؛ میزان سرمایه اجتماعی، $0/۳۳۳$ واحد افزایش می‌یابد.

بر اساس اطلاعات بالا و مطابق تحلیل رگرسیون انجام شده، ملاحظه می‌شود؛ ضریب اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی برابر با $R=0/۶۴۳$ و ضریب تبیین برابر $R^2=0/۶۴$ به دست آمده است. شواهد تجربی یافته‌ها نشان می‌دهد که بالاترین ضریب بتا مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی است. این متغیر، در بین سه متغیر باقیمانده این الگو (اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی و مشارکت اجتماعی)، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته تحقیق (میزان سرمایه اجتماعی) داشته است.



نمودار ۲: تحلیل مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

پلیس راهور، اصلی‌ترین نهاد متولی ایجاد نظم و امنیت در جامعه، برای کاربران ترافیک است و به همین خاطر، بیشترین سطح تماس را با کاربران دارد. پلیس برای اینکه بتواند از نیروهای اجتماعی، جهت دستیابی به اهداف خود سود ببرد؛ باید بتواند رویکردها و نگرش‌های افراد جامعه را با خود همسو کند. یکی از راهبردهای به‌کارگیری پلیس راهور، ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی در بین کاربران ترافیک است. از طرفی، به خاطر اینکه پلیس به طور مداوم در فضای اجتماعی حاضر است و بیشتر مأموریت‌ها و عملکردهایش در محیط‌های اجتماعی و جلوی چشم افراد جامعه انجام می‌شود؛ به همین خاطر، عملکردهایش مورد قضاوت و ارزیابی عمومی قرار می‌گیرد.

تحقیق حاضر با در نظر گرفتن این پیش‌فرض، در پی بررسی میزان سرمایه اجتماعی پلیس راهور از نظر شهروندان تهرانی است. نتایج تحلیلی میزان اعتماد اجتماعی پلیس راهور ناجا، نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد. همچنین با توجه به اینکه مقدار ضریب همبستگی دارای علامت مثبت است؛ پس رابطه مستقیم است؛ به این صورت که با افزایش اعتماد اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و یا با کاهش اعتماد اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی کم می‌شود. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی، نتیجه می‌گیریم که شدت رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی، قوی است. طبق نظریه غفاری؛ اعتماد اجتماعی، عبارت از انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده از لحاظ اجتماعی است که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند. در خصوص میزان مشارکت اجتماعی پلیس راهور ناجا، پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد و این رابطه مستقیم است؛ به این صورت که با افزایش مشارکت اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و یا با کاهش مشارکت اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی کم می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که شدت رابطه بین مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی، قوی است. طبق نظریه چلبی، در واقع وجود مشارکت اجتماعی در پرتو ارتباط تعاملی و گرم، عامل بسیار مهم در تأمین نظم و امنیت در جامعه است. در واقع می‌توان گفت که در شهر، افراد در یک نظم تعاملی یا ارتباطی با یکدیگر - برای رسیدن به یک «مای»

مشترک- قرار دارند که منجر به همفکری، مشارکت، همدلی، همبستگی در یک نظام اجتماعی می‌شود. در چنین نظامی، افراد تعهد و تعلق به یکدیگر داشته و گسترش مشارکت اجتماعی، موجب انسجام می‌شود. افراد در چنین نظامی از پیوندهای قوی، دوستی و صمیمیت برخوردار بوده و به تدریج پل‌های ارتباطی در شبکه تعاملات جامعه گسترش می‌یابد؛ بنابراین این فرضیه، بر پایه نظریهٔ ماکس وبر، گی روشه، پارسونز، ونج و چلبی است و یافته‌های تحقیق، با یافته‌های حسینی المدنی، بحری پور (۱۳۹۱) و انصاری (۱۳۸۰) هم‌خوانی دارد. نتایج حاصل از تعامل اجتماعی پلیس، نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین و میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد و فرضیه اصلی تأیید می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار ضریب همبستگی، دارای علامت مثبت است؛ پس رابطه مستقیم است؛ به این صورت که با افزایش تعامل اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و یا با کاهش تعامل اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی کم می‌شود. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی، نتیجه می‌گیریم که شدت رابطه بین تعامل اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی، متوسط است و چون ضریب همبستگی در آن $r=0/375$ و سطح معناداری آن $p=0/000$ است؛ در نتیجه، فرضیه فوق تأیید می‌شود. فرضیه بر پایه نظریهٔ جانسون، پاتنام، بوردیو، پارسونز و فوکویاما است و یافته‌های تحقیق، با یافته‌های بیات، بهرامی (۱۳۸۸)، بحری پور، خرسند بهشتی، قدیربخشی (۱۳۸۹) و انصاری (۱۳۸۴) هم‌خوانی دارد.

پیشنهادها

- جلب اعتماد عمومی، یکی از راهکارهای افزایش سرمایه اجتماعی است. اعتماد عمومی، نشئت گرفته از صداقت متولیان با آحاد جامعه است. تساوی در مقابل قانون، رفع تبعیض، بی‌عدالتی، فقر و ... زمینه اعتماد بیشتر می‌شود. البته باید توجه داشت تا زمانی که به اعتقاد کلمن، مردم هیچ سودمندی را در رابطه مبتنی بر اعتماد حس نکنند؛ طبعاً علاقه‌ای به مشارکت پیدا نخواهند کرد و زمانی مشارکت به صورت جدی تحقق خواهد یافت که فرد نقش خود را در پیشبرد اهداف سازمان جدی و ملموس تلقی کنند.

- از طرفی هم پلیس باید بهبود وضعیت‌های عملکردی خود را به طور مداوم و از طریق

مختلف مانند رسانه‌ها، به مردم گوشزد کند تا اعتماد بیشتری نسبت به عملکرد پلیس به وجود آید.

-افزایش سرانه مشارکت اجتماعی شهروندان، یکی از مؤلفه‌های اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی است و نشانه نظم اجتماعی در جامعه است. مشارکت حرکت داوطلبانه‌ای است که به کمک آن، می‌توان به استقرار امنیت و آسایش در سطوح مختلف زندگی شهروندی همت گماشت؛ چراکه به کمک آن، می‌توانیم با آرامش بیشتر و در فضای بهتری زندگی کنیم؛ از این‌رو، در این تحقیق سعی شده؛ شاخص‌های تأثیرگذار سرمایه اجتماعی بر کاربران ترافیک، به خوبی سنجیده شود؛ اما با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان سهم اندکی از این روابط را مشخص کرد؛ با اعتقاد بر این‌که تأثیرگذاری «مشارکت اجتماعی» در حل و فصل مسائل اجتماعی، دارای اهمیت است.

-برای استفاده از مشارکت حداکثری مردم در تأمین نظم و امنیت عمومی، باید راهکارهای نهادینه کردن رویکرد جامعه‌محور پلیس، مورد شناسایی قرار گرفته و در قالب یک راهبرد درازمدت و برنامه راهبردی، به مرحله اجرا گذاشته شود.

-پلیس برای انجام مطلوب مهم‌ترین وظیفه خود در جامعه؛ یعنی تأمین نظم و امنیت عمومی، به حضور و مشارکت فعال مردم نیاز اساسی و گسترده دارد و بر همین اساس، در تعامل و ارتباط مستقیم و چهره به چهره با آنان قرار می‌گیرد؛ بنابراین پلیس باید با برنامه‌ریزی، همه ارتباطات و تعاملات مستقیم و غیرمستقیم خود را با مردم، به شکل منطقی و صحیح سامان بخشد. تعامل صحیح و توأم با احترام با مردم، از عهده افرادی برمی‌آید که در اثر آموزش، یادگیری و کسب الگوهای صحیح جامعه؛ فرایند جامعه‌پذیری را با موفقیت پشت سر گذاشته باشند. جذب و گزینش درست داوطلبان به عضویت در سازمان پلیس و آموزش مناسب آن‌ها، در تحقق این هدف مؤثر خواهد بود.

منابع

- بیات، بهرام (۱۳۸۸). تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت عمومی (میزان بروز جرایم)، **فصل نامه دانش انتظامی**، زمستان ۱۳۸۸، سال ۱۲، شماره ۲؛ صص ۸۶ - ۵۱.

- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). **دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)**، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.

- حسن‌زاده ثمرین، تورج و سید محمد مقیمی (۱۳۸۹). اثر سرمایه اجتماعی بر تعالی سازمانی، **مطالعات مدیریت راهبردی**، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۳؛ صص ۱۴۳ - ۱۲۳.

- ذاکری‌هامانه، راضیه و همکاران (۱۳۹۱). **بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد**، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۱۱۰-۸۳.

- سعیدی، حسین و جمال آشوری (۱۳۹۵). ارتباط سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی ادراک شده و رفتار شهروندی سازمانی با سلامت روان (مورد پژوهی کارکنان نیروی انتظامی جنوب شرق تهران)، **مجله علوم مراقبتی نظامی**، سال سوم، شماره ۲، شماره مسلسل، صص ۹۹-۹۰.

- شایگان، فریبا (۱۳۸۸). بررسی میزان رضایت‌مندی مردم از پلیس زن در تهران، **پلیس زن**، سال دوم.

- صالحی، رضا؛ نعمتی، مرتضی و سعید امان‌پو (۱۳۹۴). سنجش و تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی شهری (مطالعه موردی: شهر نسیم شهر)، **فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری**، سال سوم، شماره دهم، صص ۱۷۲-۱۴۵.

- کاملیف محمدجواد و اصحاب حبیب‌زاده (۱۳۸۹). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه اجتماعی در تغییر رویکرد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری سازمان‌ها از شیوه سنتی به شبکه‌ای (مطالعه موردی سازمان ناجا)، **فصل نامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی**، بهار و تابستان ۱۳۸۹، سال دوم، شماره اول؛ صص ۱۷۷ - ۱۵۹.

- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

-چلپی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی). تهران: نشر نی.

-راجرز، اورت ام، اف. فلویید شومیکر (۱۳۶۹). رسانش نوآوری‌ها - رهیافتی میان فرهنگی. ترجمه عزت اله کرمی و ابوطالب فنایی. شیراز: نشر دانشگاه شیراز.

-ریتزر، جورج (۱۳۷۹). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی.

- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

-Putnam, R.D. (1995),²Tuning in, tuning out. The strange disappearance of social capital in America, ²in: political science and politics, December, pp. 664-683.

-Coleman, James S., (1999). "Social Capital in the Creation of Human Capital". American Journal of sociology 94: 95-120, The International Bank for Reconstruction and Development, 2000, The World Bank, Washington, US: 13-39.

-Putnam. R(2000) Bowlingly alone. The collapse andrevival of American community.Ny: simin and Sehuster.

-paterson, Pamela, (2005) ²Association memberships and Generalized trust:A multilevel model Across 31 countries. the university of North Carolina press, volume 86, number 7.

-Chen, Jiun-Shiu., Lovvorn, Al S. (2012). The speed of knowledge transfer within multinational enterprises: the role of social capital. International Journal of Commerce and Management, 21(1), 46-62.

-Cohen D, Prusak L (2001). In good company-how social capital makes organizations work, Harvard Business School Press, Boston, Massachusetts.

-Putnam ,R.D and Goos (2002)"Bowling Together: American respect,13,3,accessed on 1 September 2002 at [http://www. Prospect, org/print/v13/3/putnam-r.html](http://www.Prospect.org/print/v13/3/putnam-r.html)

-Bourdieu, P. (1997), "The Forms of Capital", In Education: Culture, Economy, and Society, edited by Halsey et al. Oxford: Oxford University Press.